

## تحلیلی بر لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادران کرد

(گوش سوران - مکرری)

نشیمیل معروف‌پور<sup>۱</sup>

### چکیده

لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش، بخشی از ادبیات شفاهی محسوب می‌شوند که گرچه مخاطبان آن کودکان هستند اما آن را در زمره ادبیات زنان می‌توان تحلیل و بررسی نمود. هدف از مطالعه حاضر، تحلیل مضامین و محتوای بخشی از ترانه‌های مادران کرد (لالایی و ترانه ناز و نوازش) از دیدگاه مردم‌شناسی، بررسی وضعیت زنان در آنها و همچنین کندوکاو پیرامون کارکردهای پنهان این ترانه‌هاست. این بررسی به شیوه تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. مدارک مورد بررسی ابتدا در سه طبقه کدگذاری شده و هر طبقه شامل مقولات مرتبط است. جامعه آماری کتاب ژان ژین (لالایی‌های مادران کرد) به کوشش هاشم سلیمی و ثریا کهریزی است که از مجموعه لالایی‌های مناطق مختلف با گویش‌های گوناگون، به دلیل آشنایی بیشتر نگارنده با گویش سوران - مکرری، ۱۲ ترانه کردی با این گویش به صورت هدفمند (معیار محور) انتخاب شده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که لالایی‌ها و ترانه‌های ناز و نوازش به عنوان نوعی از ترانه‌های زنانه در ادبیات شفاهی کردها، علاوه بر کارکرد آشکار خواباندن و نوازش کودک، دارای کارکردهای پنهان نیز هستند. کارکرد بازتاب شرایط جامعه (شرایط سیاسی - اجتماعی، اعتقادی، اقلیمی و معیشتی)، کارکرد رابطه مادر با کودک (ابراز عشق، آموزش درس‌های زندگی، انتظار وفاداری از کودک) و کارکرد ترانه‌ها برای مادر (بیان آرزوهای دست‌نیافته و تخلیه روحی) از مهم‌ترین یافته‌های مترتب است بر کارکردهای این گونه از ادب شفاهی است. به طوری که می‌توان ادعا کرد همچون کانالی فردی - اجتماعی در رابطه میان مادر با کودک یا مادر با جامعه‌اش عمل می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل محتوا، ترانه محلی، گویش سوران - مکرری، لالایی کُردی، نغمه‌های ناز و

نوازش کردی.

۱. کارشناسی ارشد مردم‌شناسی و پژوهشگر واحد آموزش و پژوهش صداوسیما مرکز مهاباد.

## ۷۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

## مقدمه

داستان‌ها، افسانه‌ها، آوازها، ضرب‌المثل‌ها، معماها، لطیفه‌ها و انواع دانستنی‌های شفاهی دیگر در ادبیات عامیانه، منبعی غنی و سرشار از اطلاعات اسنادی برای انواع تحلیل‌هاست. از این اسناد برای استنباط ویژگی‌های روانی مردم یا به منظور تحلیل باورداشت‌های مذهبی و نیز گاهی به عنوان دلیلی بر انتقال اطلاعات از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر استفاده می‌شود. ادبیات فولکلور تنها به ارائه آثار گذشته محدود نمی‌شود، بلکه آفرینش دوباره آثار ادبی را نیز شامل می‌گردد. ادبیات فولکلور از گذشته تاکنون به‌طور مستمر و عجیب با تاریخ بشر همگام بوده است؛ این ادبیات، آیینه زندگی واقعی انسان‌هاست (سپیک، ۱۳۸۴: ۱۳). یکی از تبلورهای ادبیات شفاهی در حوزه فرهنگ عامه، ترانه‌ها هستند که متأثر از فضای فرهنگی و ساختارهای اجتماعی زمانه خود بوده‌اند. عامه مردم در جریان ترانه‌ها به بیان خواست‌ها، نیازها و ارزش‌های خود می‌پردازند.

ترانه‌های محلی جدا از حوزه رسمی شعر و ادب، در اعماق ذهن مردم کوچه و بازار تولد یافته، زندگی کرده و حفظ شده‌اند (احمد پناهی سمنانی، ۱۳۶۸: ۹). لالایی‌ها و همچنین ترانه‌های ناز و نوازش کودک، از انواع ترانه‌های عامیانه به‌شمار می‌روند که اغلب از سوی زنان خوانده می‌شوند. در جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه، همه نگاه‌ها متوجه گیرنده‌های تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای و سیر در فضای مجازی شده است و سنت‌ها، آیین‌ها، سرودها و نغمه‌ها در برابر تصاویر و رنگ‌های افسونگر جعبه‌های جادو، اندک اندک در حال رنگ باختن هستند. نه نقالان در محافل عمومی قصه می‌خوانند و نه مادران برای بچه‌ها لالایی می‌سرایند و برایشان ترانه ناز و نوازش می‌خوانند. آنچه امروزه در جامعه ما دیده می‌شود این است که فرزندان امروز و مادران و پدران فردا در نوعی خودناباوری و بی‌هویتی فرهنگی رشد می‌یابند و آنچه از این رسانه‌ها فرامی‌گیرند، فرهنگ وارداتی و متضاد با هنجارهای فرهنگی و اجتماعی آنهاست (سلیمی و کهریزی، ۱۳۸۷: ۱۲). در چنین شرایطی نه تنها ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، بلکه روابط انسانی نیز در معرض آسیب قرار می‌گیرند. در مقابل، ناب‌ترین تجلی عواطف مادری در لالایی و ترانه ناز و نوازش نهفته است. در بسیاری از لالایی‌ها، گواراترین عاطفه انسانی موج می‌زند؛ در این قالب شعری با صداقت‌ترین و شفاف‌ترین رنگین‌کمان روح آدمی، خاصه زن، روبه‌رو می‌شویم. این لالایی‌ها آینه

## تحلیلی بر لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادران کرد ❖ ۷۷

تمام‌نمای دردهای زن در جوامع پیچیده انسانی است و با موشکافی در محتویات آن می‌توان عامل تحولات اجتماعی را به سادگی بررسی کرد. (صادقی، ۱۳۸۶: ۶۰)

این بررسی به شیوه تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. مدارک مورد بررسی ابتدا در سه طبقه کدگذاری شده و هر طبقه شامل مقولات مرتبط است. نمونه آماری، ۱۲ ترانه کردی با گویش سورانی - مکرری و روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند یا معیارمحور با معیار گویش سورانی است که از میان لالایی‌ها و ترانه ناز و نوازش کتاب «ژانه‌زین» نوشته هاشم سلیمی و ثریا کهریزی (لالایی‌های مادران کرد) انتخاب شده است.

### مضامین ترانه‌های محلی

ترانه‌های محلی بخشی از ادبیات شفاهی هستند که علاوه بر کارکرد آشکار، کارکردهای پنهانی نیز دارند که در مطالعات پژوهشی دارای اهمیت قابل توجهی هستند. در این جستار و در راستای این اهمیت، به کارکردهای پنهان این دسته از ترانه‌ها با تأکید بر وضعیت زنان پرداخته شده است. به منظور بررسی این مهم، ابتدا سه موضوع اصلی در نظر گرفته شد؛ اول کارکرد ترانه‌های مادرانه برای زن به عنوان عضوی از جامعه (بازتاب شرایط جامعه)، دوم کارکرد ترانه‌های مادرانه برای زن در رابطه با فرزندش و نهایتاً کارکرد آنها برای خود مادر. برای هر موضوع کلی نیز موضوعات جزئی‌تری در نظر گرفته شده است.

### کارکرد؛ بازتاب شرایط جامعه

در جریان تحلیل محتوای لالایی‌های مادرانه مشخص می‌شود که آنها علاوه بر کارکرد آشکار خوابانیدن کودک و ابراز محبت و نوازش او، کارکردهای پنهانی نیز دارند که در ادامه به این کارکردها در قالب مقولات و شاخص‌هایی در هر تم بحث خواهد شد. اما در کل، کارکردهای فردی - اجتماعی متنوعی را می‌توان برای این قسم از ادبیات شفاهی در نظر گرفت. در کارکرد ترانه‌های مادرانه، برای زن به عنوان عضوی از جامعه، به روشنی دیده می‌شود که ترانه‌های عامیانه انعکاسی از ساختار اجتماعی -

## ۷۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

فرهنگی جامعه زمانه سرودن خود هستند؛ به گونه‌ای که در اینجا زن، در لابه‌لای عبارات خود از وضعیت اجتماعی، فرهنگی و حتی مذهبی غالب در جامعه‌اش سخن می‌راند. همین کارکرد می‌تواند از چندین جنبه مطرح شود:

## ۱. شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه

بخش اعظمی از نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه ما در گذشته، بر اساس نظام فئودالی بوده است؛ نظامی که بر بهره‌کشی مالکین از دهقانان از راه تصاحب محصول اضافی کار آنان مبتنی است. در واقع ماهیت تمام اشکال فئودالی عبارت است از؛ تصاحب محصول کار دهقان به وسیله فئودال‌ها. گذشته از جنبه‌های اقتصادی و معیشتی این نوع از جامعه، ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی نیز مطرح است؛ در این نظام، بزرگ عشایر (خان) نیرومندترین فرد منطقه است و برای همه آرزوست که همچون او و خانواده‌اش باشند و سروری کنند. نکته قابل توجه این است که در کنار ظلم و تعدی‌هایی که خان هر منطقه نسبت به رعیت‌ها روا داشته است، نوعی اقتدار و بزرگ‌منشی نسبت به زیردستانش در او وجود دارد؛ همان‌طور که در بیت زیر دیده می‌شود:

*rabi rolam gavra be* ره‌ببی رؤلهم گه‌وره بی  
خدا! بچه‌ام بزرگ بشود  
*la ke bu la xošxatân* له کی بوو له خووش خه‌تان  
از چه کسانی! از خوش خط‌ها افراد اصل و نسب‌دار  
*dâyki xâtuni xevatân* دایکی خاتونی خیوه‌تان  
مادرش (دایه‌اش) خاتون خیمه‌ها  
*bâvki gavray aşiratân* باوکی گه‌وره‌ی عه‌شیره‌تان  
پدرش خان عشیره‌ها

در جامعه روستایی فئودالی، بزرگ عشیره با بزرگان و معتمدان نشست و برخاست دارد و دارای اعتبار و جایگاه خاصی در میان مردم است. اما در کنار اینها گلایه از ظلم

تحلیلی بر لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادران کرد ❖ ۷۹

و تبعیض حاکم ظالم نیز در لالایی بازتاب پیدا می‌کند. در این زمینه می‌توان به این شواهد اشاره کرد:

<i>rola giyân boçi la šây buy yâqi</i>	روله گیان بوچی له شای بووی یاغی
	فرزندم! چرا بر شاه یاغی شده‌ای
<i>râvakat halgirt bo yâjibilâqi</i>	راوه‌کته هه‌لگرت بو یاچی بلاغی
	شکارت را به یاچی بلاغ بردی
<i>yâxulâ bitbinim har ba laššâqi</i>	یا خولا بتبینم هه‌ر به له‌ش ساغی
	الهی همه وقت سلامت ببینمت

\*\*\*\*\*

<i>gar milit deşe ba pati zâlim</i>	گه‌ر ملت دیشی به په‌تی زالم
	اگر گردنت با طناب ظالم درد می‌کند
<i>sar ka sar rânim qazât la giyânim</i>	سه‌رکه سه‌ررانم، قه‌زات له مالم
	سر بگذار روی پایم دردت به جانم

\*\*\*\*\*

<i>yâ sultâni mâl, lav qad u barza</i>	یا سولتانی مال، له‌و قه‌د و به‌رزه
	یا سلطان! پیر تنها و منزل در آن بلندی
<i>korpakam nagre qat ,tab u larza</i>	کۆرپه‌که‌م نه‌گری، قه‌ت ته‌ب و له‌رزه
	فرزندم را دور کن از تب و لرز
<i>lâlâyit bo dakam, ba dil u ba giyân</i>	لالاییت بو ده‌که‌م، به دل و به گیان
	لالایی کنم با دل و با جان
<i>xuvâ bitpâreze, la balây razâxân</i>	خوا بتپاریزی، له به‌لای ره‌زاخان
	یارب دورش دار از بلای رضاخان

---

۱. سلطان وقاص که آرامگاهش در ده کیلومتری جاده مهاباد- بوکان و در بالای کوهی به همین نام قرار دارد و معمولاً زنان نازا روزهای چهارشنبه با نذر و نیاز بر سر مزار او می‌روند و از خدا طلب فرزند می‌کنند.

## ۸۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تعدادی از لالایی‌ها رنگ و بویی سیاسی دارند که بیشتر حاکی از تعدی و ظلم زیاد حاکمان وقت بوده است. مادر در لابه‌لای لالایی خواندن خود از این وضعیت اظهار گله و شکایت می‌کند. قد علم کردن و مقابله با تبعیض و زورگویی حاکمان جبار در تاریخ کردستان، شواهد مختلفی دارد و عصیان کردها در برابر ظلم و ظالم در تاریخ به وفور دیده شده است. مادر در این قسمت، از طرفی یاغی‌گری و عصیان فرزند رشیدش را پیش‌بینی می‌کند و نگران اوست و از طرفی دیگر به او افتخار می‌کند و می‌خواهد او را برای ایستادن در برابر ظلم و قبول نکردن آن تعلیم دهد؛ احساس مادر در اینجا همچون دو روی سکه است؛ یکی ترس و نگرانی و اظهار شکایت از ظلم، و دیگری افتخار و تعلیم مقاومت و عصیان بر علیه ظلم. در بند دوم، شکوه مادر رنج‌کشیده به گوش می‌رسد که از ظلم و ستم حاکمان زورگو به خود و خانواده‌اش، به ستوه آمده است و سخت آزرده‌خاطر است. او آغوش و پاهای خود را محل امن و آسوده‌ای برای فرزندش از دست این همه ظلم و ستم می‌داند و به او آرامش و پناه می‌دهد. در بند سوم مادر از ظلم و بیدادگری رضاخان پهلوی به سلطان پناه می‌برد تا فرزندش در امان باشد.

## ۲. باورهای سنتی و اعتقادی جامعه

*čand čâk u pirit bo daxulâmava*

چهند چاک و پیرت بؤ ده‌خولامه وه

سرگردان کوی پیران شدم

*labar sebarit nahasâmava*

له‌به‌ر سیبه‌رت نه‌حه‌سامه‌وه

شاید در کویت آرام بگیرم (که نگرفتم)

\*\*\*\*\*

*vara lâyi, vara lâyi, bo xavit nabâni*

وه‌ره لایی، وه‌ره لایی، بؤ خه‌وت نه‌بانی

لالا لالا چرا خوابت نمی‌آید

یاره‌بی رؤلّه نه‌مری بؤ خاتری غه‌وسی سانی

*yârabi rola namri bo xatiry qavsi sâni*

تحلیلی بر لایه‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادران کرد ❖ ۸۱

الهی نمیری عزیزم به خاطر غوث ثانی<sup>۱</sup>  
وهره روله، لای لایهت بؤ ده که مه‌وه به نادری

*vara rola, lây lâyat bo dakamava ba nâdiri*

فرزندم، لای لای لایی

*datbamava sar çâkân, sar pirân*

ده تبه مه‌وه سهر چاکان، سهر پیران

تبرکت کنم از پیران

ناوه‌للا سهر گومبه‌زی ده شیخ عه‌بدو القادری

*nâvalâ sar gombazi da šex abdulqâdiri*

یا ببندمت به دخیل شیخ عبدالقادر

گیلانی

\*\*\*\*\*

ئه‌من لای لایهت بؤ ده که م خه‌وی خیرت بی *amin lây lâyat bo dakam, xavi xerit be*

لایه‌ی برایت بخوانم بخوابی شیرین

نووشته‌ی سه‌ید محمه‌د نوورانی له ژیر سهرت بی

*nuštay sayid mihamad nurâni la žer sarit be*

دعانوشته سید محمد نورانی<sup>۲</sup> بالای سرت باشد

\*\*\*\*\*

ئه‌من لای لایهت بؤ ده که م به ئه‌بدالی کؤ *amin lây lâyit bo dakam ba abdâli ko*

۱. غوث ثانی از القاب شیخ عبدالقادر گیلانی، (۵۶۱-۴۷۱ ه.ق) ملقب به غوث گیلانی، پیر ثانی و ... پایه‌گذار طریقت قادریه است.

وی صاحب آثار در مواظ و نصایح چون: الغنیه لطالب طریق الحق، الفتح الربانی، فتوح الغیب، حزب بشائر الخیرات و ... بوده و به سبب ایمان و صداقت بی‌ماندش، احترام و جاذبه فوق‌العاده‌ای داشته و نزد صوفیان هند، ترکیه و عراق، صاحب کرامات بوده است و هم اکنون نیز در بین مردم کردستان و نزد مریدان طریقت قادریه، قداست و وجاهت خاصی دارد. (سلیمی و کهریزی، ۱۳۸۷: ۳۷)

۲. سید محمد نورانی، معروف به شیخ زمبیل یا سیدی زمبیل، (۱۲۷۸-۱۳۵۳ ش) از مشایخ مشهور کردستان. زمبیل از روستاهای اطراف شهرستان بوکان است. (همان: ۳۷)

## ۸۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

لالایی برایت بخوانم در ابدال کوه<sup>۱</sup>

هیچ که سیک نه گری نه دامه تی تو

تا کسی پشیمان تو نباشد

*hič kasek nagire nadâmaty to*

در اعتقادات مذهبی بسیاری از مردم کردستان، شخصیت‌های مذهبی و آرامگاه آنان جایگاه خاصی دارد و در زبان کردی منظور از «چاک» همان شخصیت‌ها یا آرامگاه آنان است که مردم دسته دسته به زیارتشان می‌روند و نذر و نیاز می‌کنند. یکی از آداب و رسوم مردم کرد در این زمینه این است که چون معتقدند این افراد (شیخ‌ها) سید هستند، پارچه‌های سبزی بر روی آرامگاه و در کنار آن نصب می‌کنند و کسانی که به زیارت می‌روند تکه‌ای از آن پارچه را می‌کنند و به عنوان تبرک و شفا دهنده به میچ دست خود یا بچه‌شان می‌بندند. به‌طور کلی می‌توان گفت، از جمله عناصر مهم در حوزه باورهای سنتی و مذهبی کرد (بویژه در گذشته) همین «شیخ‌ها» هستند که برای شفاعت یا درمان انواع بیماری‌های روحی و جسمانی به آنها متوسل می‌شوند و چه بسا چون تأثیرش را قبول دارند، از راه تلقین، شفا می‌یابند. همان‌گونه که در این لالایی دیده می‌شود، مادر رنج کشیده به سراغ شفاعت این گونه شخصیت‌ها می‌رود تا شاید به وقت پیری در سایه آنها، فرزندش بیاساید. او بر بالای سر کودکش «دعانوشته» ای مقدس آویخته است تا از بلا و مصیبت به‌دور باشد.

## ۳. شرایط اقلیمی و معیشتی جامعه

ترانه ناز و نوازش در این رابطه:

*šakra la šaristâne*

شه‌کره له شارستانی

شکر شهرستانی

*gazo la dâr lâvene*

گه‌زؤ له دار لاوینی

۱. ابدال کوه، اشاره‌ای است به عده‌ای از عرفا و دراویش کُرد که در کوه ابدالان یا اولان (در گویش سورانی) به خاک سپرده شده‌اند. ابدالان جمع ابدال: عده‌ای معلوم از صلحا و خاصان خدا که گویند هیچ‌گاه زمین از آنان خالی نباشد و جهان بدیشان برپای است و آنگاه که یکی از آنان بمیرد، خدای تعالی دیگری را به جای او برانگیزد تا آن شمار که به قولی هفت و به قولی هفتاد است، همواره کامل ماند. (همان)



تحلیلی بر لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادران کرد ❖ ۸۳

<i>šakri šâri halabe</i>	گزر درخت لاوینی <sup>۱</sup> شه‌کری شاری حله‌بی
<i>la xudâ dakam talabe</i>	شکر شهر حلبی <sup>۲</sup> له خودا ده‌که‌م تله‌بی
<i>rabi rolam gavra be</i>	از خدا کنم طلبی ره‌بی روله‌م گه‌وره بی خدا! بیچه‌ام قد بکشد

\*\*\*\*\*

لالایی در این رابطه:

<i>amin lânkolay xom haldagirmava</i>	ئه‌من لانکۆله‌ی خۆم هه‌لده‌گرمه‌وه گهواره‌ات را به آغوش می‌کشم
<i>daybamava bin dâri dagiveze</i>	ده‌بیه‌مه‌وه بن داری ده‌گویزی به کول می‌کشم، به کوه، به زیر سایه گردو به‌سه‌ری هه‌لده‌کیشمه‌وه چل نمره‌ی ده‌ته‌وریزی
<i>basari haldakešmava čil nimray datavreze</i>	بر رویش چهل نمره تبریز <sup>۳</sup> می‌اندازم
<i>amin lânkolay xom haldagirmava</i>	ئه‌من لانکۆله‌ی خۆم هه‌لده‌گرمه‌وه گهواره‌ات را به آغوش می‌کشم
<i>daybamava bin dâri xurmâya</i>	ده‌بیه‌مه‌وه بن داری خورمایه به زیر سایه درخت خرما می‌برم به سه‌ری هه‌لده‌کیشمه‌وه چل نمره‌ی ده‌به‌غدایه

۱. لاوین: نام درخت گز است که اغلب در جنگل‌های اطراف شهر سردشت می‌روید. (همان: ۴۳)

۲. حلب: شهری در کردستان سوریه. (همان)

۳. چهل نمره درجه مرغوبیتی است که برای این نوع پارچه زیبا لحاظ شده است و بدین نام شهرت یافته است. عدد چهل از اعداد ویژه فرهنگ‌های قدیم و بیانگر نوعی تأکید بر کمال است. (همان: ۳۸)

۸۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

*basari haldakešmava čil nimray da baqdâye*

گهواره‌بندت را از چیت چل نمره بغداد می‌خرم

\*\*\*\*\*

ئه‌من لانکیکت بؤ دروست ده‌که‌م له داری ده قه‌زوانی

*amin lânkekit bo dirust dakam la dâri da qazvâne*

گهواره‌ای از قزوان<sup>۱</sup> می‌سازم

لای لایه‌ت بؤ ده‌که‌م مه‌گر خودا بزانی

*lây lâyat bo dakam magar xudâ bizâne*

لایه لایه‌ای که هفت آسمان را نوا گیرد

*vastâyanit bo denim la šinoya*

وه‌ستایانت بؤ دینم له شنویه

گهواره‌ای که نجارش از اشنویه است

*dasrâzat bo denim la kona lâjâne*

ده‌سرازه‌ت بؤ دینم له کؤنه لاجانی

بند قن‌داقش از کهنه لاجان<sup>۲</sup>

*sardamat bo denim la giršilâne*

سه‌رده‌مه‌ت بؤ دینم له گرشیلانی

و پشه‌بندش را از گرشیلان می‌آورم

ئه‌وه جه‌نگه‌ی بیروبانه‌مه‌رانه، هه‌لت ده‌گرمه‌وه به چارؤکی

*ava jangay ber u bânamarâna, halitdagirmava ba čâroke*

وقت آمدن بانوی اردیبهشت است

*datpečmava ba kolvâne*

ده‌تپیچمه‌وه به کؤلوانی

دور چهارقدی می‌پیچیمت

\*\*\*\*\*

۱. قزوان: نام درختی وحشی است که در کوهپایه‌ها می‌روید. میوه قزوان، ریز و هم‌شکل و شمایل عدس است. معمولاً این

میوه را به سبب عطر و بوی خوش در دوغ و ماست می‌ریزند. (همان: ۵۰)

۲. کهنه لاجان و گرشیلان که در سطر پایین تر آمده است از روستاهای اطراف پیرانشهر هستند.

## تحلیلی بر لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادران کرد ❖ ۸۵

یکی از کارکردهای پنهان لالایی‌ها به تصویر کشیدن شرایط اقلیمی و جغرافیایی عصر سروده شدن آنهاست. مادر با احساسات عمیق مادرانه خود، کودکش را به چیزهای خوب و زیبا تشبیه می‌کند و ناخودآگاه از شرایط و اوضاع دور و برش می‌گوید که در شناسایی مناطق کردستان، خصوصیات و ویژگی‌های وضعیت معاش و زندگی آنها دارای اهمیت بسزایی است. مادر، کودکش را به شکر و ریحان خوشبو تشبیه می‌کند. این دو مورد جایگاه خاصی در زندگی گذشته کردها داشتند. ریحان خوشبو را زنان کرد همچون میخک به خود می‌آویختند تا خوشبو شوند؛ چرا که استفاده از مواد خوشبو و زیورآلات طبیعی از سوی زنان یکی از ویژگی‌های فرهنگی خاص کردها بوده و هست. دلیل تشبیه کردن کودک به شکر شارستانی از جانب مادرش اهمیت این کالا و نایابی آن را در زندگی مردم نشان می‌دهد. مردان خانواده هرگاه به شهر می‌رفتند، در ازای محصولات و تولیدات خود شکر می‌آوردند که کالایی مرغوب و خواستنی بوده است.

مادر صحنه‌ای را توصیف می‌کند که گهواره کودکش را به زیر سایه درختان گردو، خرما، به و... می‌برد و این، نوع درختان این منطقه را نشان می‌دهد. او «جاجیم کشکولی» که نوعی نقش در جاجیم و جانمازهای دستباف کردستان است و پارچه چهل نمره تبریزی و بغدادی را برای گهواره فرزندش آرزو می‌کند. این لالایی می‌تواند به زمانی تعلق داشته باشد که شهرهای تبریز و بغداد به عنوان دو قطب تجاری مهم منطقه مطرح بوده‌اند (سلیمی و کهریزی، ۱۳۸۷: ۳۸). اشاره به اسم روستاهای منطقه مثل کهنه لاجان و گرشیلان از دیگر ویژگی‌های این دسته از لالایی‌هاست. در ادامه، مادر از وضعیت خودش می‌گوید که هنگام کار زیاد شهریورماه، بچه به کول، به دشت و مزرعه می‌رود و همپای مردان و دیگر زنان روستا کار می‌کند.

۸۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

## کارکرد لالایی در ارتباط مادر با کودک

### ۱. ابراز عشق و علاقه به فرزند

در ادامه یک نمونه ترانه ناز و نوازش کودک و یک نمونه از لالایی‌ها با موضوع فوق آورده شده است:

<i>oxay, oxay. oxale</i>	ئوخه‌ی، ئوخه‌ی، ئوخه‌لی اوخیش اوخیش اوخیلی!
<i>majnuna dosti layle</i>	مه‌جنونه دؤستی له‌یلی مجنونه یار لیلی!
<i>rihânay ruy darâve</i>	ریحانه‌ی رووی ده‌رئووی ریحون لب آبی
<i>rihânay dasta čine</i>	ریحانه‌ی ده‌سته‌چنی ریحون دست‌چینم
<i>mivâni šora žine</i>	میوانی شوژه‌ژنت مهمان مه‌جبینم (زن خوش‌هیکل و رعنا)
<i>ni ni ni ni ninala</i>	نی نی نی نی نه‌له تاتی تاتی تاتی
<i>hangiven u ron tekala</i>	هه‌نگوئن و روئن تیکه‌له کره و عسل مخلوط است

\*\*\*\*\*

<i>lâyi lâyit bo dakam ba dil u ba giyân</i>	لالی لاییت بو ده‌که‌م، به دل و به گیان لالایی برایت بخوانم از دل و از جان
<i>xavit le bikave, hatâ bar bayân</i>	خه‌وت لی بکه‌وی، هه‌تا به‌ر به‌یان

تحلیلی بر لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادران کرد ❖ ۸۷

تا خروس‌خوان خوابت بگیرد  
 لایی لاییت بؤ ده‌که‌م، خه‌و بتباته‌وه  
*lâyi lâyit bo dakam, xav bitbâtava*  
 لالایی برایت بخوانم خوابت بگیرد  
 فریشته‌ی خیران، خه‌به‌ر کاته‌وه  
*firištay xerân, xabar kâtava*  
 تا که فرشته خیر بیدارت کند!

ابراز عشق و علاقه از طرف مادر به کودکش در ترانه‌های ناز و نوازش و لالایی‌ها موج می‌زند. شاید بعد از کارکرد آشکار و ظاهری خواباندن کودک در لالایی، مهم‌ترین و بارزترین کارکرد پنهان آن همین ابراز عشق مادر به فرزندش است که خود آرامش خاصی به کودک می‌دهد. مادر حاضر است از شدت علاقه به بچه‌اش خود را فدایش کند و دیدن روی او را با هیچ چیز، حتی تمام ثروت و مال دنیا عوض نمی‌کند. او چه بسا تمام شب و تا صبح خروس‌خوان بالای سر کودکش می‌نشیند و گهواره‌اش را تکان می‌دهد و لالایی می‌خواند تا خوابش ببرد.

سه‌ت دارم لی‌ده‌ن، داری میمووکی  
 اگر مرا با صد چوب میموک<sup>۱</sup> ببندند  
*sat dêrim ledan, dêyi mimuke*  
 لانکت هه‌لده‌گرم، ده‌چمه‌که‌رکووکی  
 گهواره‌ات را برمی‌دارم و به کرکوک<sup>۲</sup> می‌روم  
*lânkit haldagrim dačma mekuke*  
 مالم بؤ چی‌یه؟ گه‌نجی به کؤ بی  
 مال دنیا را بر باد می‌دهم  
*mâlîm bo čiya? Ganji ba ko be*  
 گه‌دایی ده‌که‌م، چاوم له تؤ بی  
 گدایی کنم چشمم به تو باشد  
*gadâyi dakam, čâvim la to be*

فداکاری و از جان گذشتگی مادر برای فرزندش در قسمت‌های مختلف لالایی‌ها و ترانه‌های ناز و نوازش مادران دیده می‌شود. به گونه‌ای که مادر از جان خود به خاطر

۱. میموک یا بلک: گیاه شیرین‌بیان است که ساقه محکمی دارد. (همان: ۵۸)

۲. شهری در کردستان عراق.

## ۸۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بچه‌اش می‌گذرد. حاضر است دست به گدایی بزند و تنها در کنار فرزندش باشد. ثروت و مال دنیا را فدای او می‌کند و حاضر است که تمام درد و بلائی او را به جان بخرد. نوعی از جان‌نثاری ناب که خاص مادر در راه فرزندش است و قابل مقایسه با هیچ از خودگذشتگی نیست.

## ۲. آموزش درس‌های مهم زندگی

ئه‌من ته‌مه‌ننا ده‌که‌م له خودای، رؤه قهت له من نه‌مری

*amin tamanây dakam la xudây, rola qat la min namri*

من از خدا می‌خواهم، فرزندم هیچ‌گاه مرگت را نبینم

وهره روله ریگات دووره و گه‌لیک هه‌ورازه

*vara rola regât dura v galek havrâza*

بخواب فرزندم که راه دور و دراز و سختی در پیش داری

\*\*\*\*\*

*lâyi lâyi xalki basar zimâna*

لایبی لایبی خه‌لکی به‌سه‌ر زمانه

لالایی مردم سرزبانی و ظاهری است

*lâyi lâyi dâykit, ba dil u ba giyâna*

لای لایبی دایکت، به دل و به گیانه

لالایی مادرت از دل و از جان است

\*\*\*\*\*

*rola giyân boçi la šây buy yâqi*

روله گیان بؤ چی له شای بووی یاغی

فرزند عزیزم چرا بر شاه یاغی شده‌ای

*râvakat halgirt bo yâjibilâqi*

ذاو‌ه‌که‌ت هه‌صگرت بؤ یاغی بصاغی

شکارت را به یاغی بلاغ بردی

*yâxulâ bitbinim har ba lašsâqi*

یا خوصا بتبینم هه‌ر به له‌ش ساغی

الهی همه وقت سلامت ببینمت

### تحلیلی بر لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادران کرد ❖ ۸۹

مادر در لالایی می‌خواهد کودکش را با واقعیت‌های زندگی و دنیای واقعی آشنا کند. پشت این جملات ساده دلکش، درس‌های مهم زندگی در گوش کودک خوانده می‌شود تا هوشیار باشد و آگاه شود. مادران، نخستین آموزگاران انسان هستند و لالایی مادران بیشتر اقوام جهان، سرشار از تجارب زندگی و توصیه‌های باارزش است. در این رابطه دو نمونه از لالایی‌ها آورده شده است؛ در بند اول مادر به کودکش گوشزد می‌کند که حرف خوش و نوازش دیگران ظاهری است و باید مواظب باشد که خود را از اهداف شوم دشمنان و بدخواهان برحذر دارد و به ظاهر و خوش‌زبانی آنها دل نبندد؛ اما در عوض لالایی مادرش از دل و از جانش می‌آید و نوازش و خیرخواهی واقعی را دربردارد. مادر، کودکش را تشویق به استقامت در برابر ظلم و زور می‌کند؛ اینکه باید با مردانگی و رشادت، تعدی و تبعیض را قبول نکند و روحیه مقاومی داشته باشد.

### ۳. انتظار وفاداری کودک به مادر

چهند چاک و پیرت بؤ ده‌خولامه وه  
سرگردان کوی پیران شدم  
*čand čak u piri y bo daxulâmava*  
له‌به‌ر سیبه‌رت نه‌حه‌سامه‌وه  
شاید در کویت آرام گیرم (که نگرفتم)  
*labar sebarit nahasâmava*

\*\*\*\*\*

ره‌ببی روله عومرت هه‌زارسال بی و بؤ من ببیه وه به‌ردی بناغی  
*Rabi rola omrit hazârsâl be v bom bibya bardî binâqe*  
الهی فرزندم! هزارساله شوی و برایم سنگ صبور (تکیه‌گاه) باشی.

\*\*\*\*\*

کورپه‌ی شیرینم لای لای  
دختر شیرینم لای لایی  
*korpay širinin lâ y lâ y*  
هیزی نه‌ژنوم لای لای  
*hezi ažnom lâ y lâ y*

❖۹۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

توان زانوانم! به وقت پیری همدمم

کورپه‌ی جوانم لای لای

دختر زیبایم لای لایی

*korpay jivânim lây lây*

در جای‌جای لالایی‌ها، مادر دردمند و رنج‌کشیده به وفا و دستگیری فرزند در وقت نیاز و پیری دلخوش است. برای آن آرزو و دعا می‌کند و در جاهایی از بی‌وفایی او شکایت می‌کند؛ البته کودک هنوز بزرگ نشده است تا بی‌وفای‌اش را نشان دهد و به احتمال زیاد منظور مادر گله از بی‌وفایی پدر کودک باشد که به دلیل محدودیت‌هایی که وجود دارد، آن را غیرمستقیم بروز می‌دهد.

کارکرد ترانه محلی برای مادر

۱. بیان آرزوهای دست نیافته

*ninây ninây ninâve*

نینای نینای نیناوی

تاتی تاتی تاتی

*daynem la nâv kažâve*

ده‌ینیم له ناو که‌ژاوی

در کجاوه‌ات می‌گذارم

*bo kuri hâkimi rožâvâ*

بو کوری حاکمی روژئا

برای پسر خان باختر

\*\*\*\*\*

*rola xana gilabânit be*

روله خه‌نه گله‌بانیت بی

حنا، گل بام تو باشد

*maxmar jili tâžiyânit be*

مه‌خمه‌ر جلی تاژیانیت بی

مخمل، جامه‌دان تو باشد

*dâr sandal goçânit be*

دارسه‌نده‌ص گوچانیت بی



## تحلیلی بر لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادران کرد ❖ ۹۱

<p><i>sâblâq estir xânit be</i></p> <p><i>târân jegayâžiyânit be</i></p> <p><i>dâykit ba qurbânit be</i></p>	<p>صندل، چوبِ دست تو باشد                  سابلانغ ئستیر خانت بی                  سابلانغ<sup>۱</sup>، جای اسب تو باشد                  تاران جتگای ژیانت بی                  تهران سرای زندگی‌ات باشد                  دایکت به قوربانیت بی                  مادرت فدایی‌ات باشد</p>
--	---

برای مادر، آرزوهای برآورده نشده زیادی وجود دارد که همیشه حسرت رسیدن به آنها را با خود دارد و در لالایی با آرزو کردن آنچه که خود خواسته اما به آن نرسیده است برای فرزندش، این کمبود را تا حدی از لحاظ روحی جبران می‌کند. ازدواج با پسر خان یکی از آنهاست که در بند اول مطرح شده است. این آرزو می‌تواند به طور کلی‌تر در مورد آرزوی زن در ازدواج با فرد مورد علاقه و خواست خودش باشد. در صورتی که در جامعه مردسالار و سنتی گذشته، ازدواج‌ها اغلب برخلاف میل دختران و با تصمیم دیگران صورت می‌گرفته است.

در بند دوم داشتن یک زندگی آسوده و با امکانات، تا حدی اغراق‌آمیز است؛ اینکه گِل پشت بام و دیوارها به جای خاک، حنا باشد! جامه مخمل بر تن داشتن و عصای قدرت در دست داشتن و... اما آرزوی بهترین‌ها برای فرزند در این عبارات موج می‌زند که از طرفی از احساسات مادرانه سرچشمه می‌گیرد و از طرف دیگر حکایت از خستگی و نارضایتی مادر از زندگی خود و آرزوی داشتن زندگی آسوده دارد.

### ۲. تخلیه روحی - روانی

<p><i>xozgam ba malân har šâv la šâxe</i></p> <p><i>nak ba dastay xom har âx u dâxe</i></p>	<p>خۆزگه‌م به مه‌لان هه‌رشه‌و له شاخی                  خوشا پرنده که هیچ قیدی ندارد و هر شب بر شاخی (کوه) است                  نه‌ک به ده‌سته‌ی خۆم هه‌ر ئاخ و داخی</p>
---	---

۱. سابلانغ، ساوجبلاغ (مکری): نام قدیمی شهر مهاباد

## ۹۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

نه مثل آدم، پر از آه سرد، در قید خاک هستیم  
 به تانه‌ی دُوست و بیگانان خُوْم  
*ba tânay dost u begânân xom*

فرزندم از طعنه مردم به خود می‌پیچم  
 به وینه‌ی مه‌جنون و یلی کیوان خُوْم  
*ba venay majnun veli kevân xom*

مانند مجنون ویلان کوه و سرگردان دشت هستم

\*\*\*\*\*

لایی لاییت بُو ده‌که‌م، به رووی سووره‌وه  
 با روی سرخ<sup>۱</sup> برایت لالایی می‌خوانم  
*lâyi lâyit bo dakam ba ruy surava*

خوا جهرگم نه‌دا، به ته‌نوره‌وه  
 جگرم در تنور سرخ<sup>۲</sup> نشود  
*xivâ jargim nadâ ba tanurava*

\*\*\*\*\*

همان‌طور که در این چند قسمت از لالایی‌ها دیده می‌شود، از کارکردهای پنهان دیگر آنها برای مادر، تخلیه روحی او و درد دل با کودکش است. در بند اول، او سودای آزادی و رهایی از بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها را در سردارد و به حال پرنده که به هر جا دلش بخواهد می‌تواند برود، غبطه می‌خورد و آرزو دارد مثل او باشد. مادری که در جامعه سنتی مردسالار به دلیل آوردن بچه دختر، مورد طعنه و سرزنش اطرافیان خود است. در چنین شرایطی مادر رنج‌کشیده تنها از طریق ترانه می‌تواند ابراز شکایت و اعتراض کند و آنچه را که از درون آزارش می‌دهد، بروز دهد تا حداقل خود آرام گیرد. در بند دوم، مادر از روی سرخ خود سخن می‌گوید. روی سرخ کنایه از زنی است که به احتمال زیاد بیوه‌زن است یا پدر بچه برای مدت زیادی نیست و زن تنها، با آبروداری و پایبندی به تعهد و خانواده، بچه را بزرگ می‌کند. در ادامه او اظهار می‌دارد

۱. اصطلاح «رو سرخ» در فرهنگ کرد، برای زنانی به کار می‌رود که آبرو و ناموس خود و خانواده‌شان را حفظ کرده باشند. مثلاً هنگامی که می‌خواهند برای دختر دم‌بختی دعای خیر کنند می‌گویند: الهی که رو سرخ شوی دخترم. همان «رو سفیدی» در فارسی که در بین کُردها به‌ندرت و بیشتر از «رو سرخی» استفاده می‌شود.

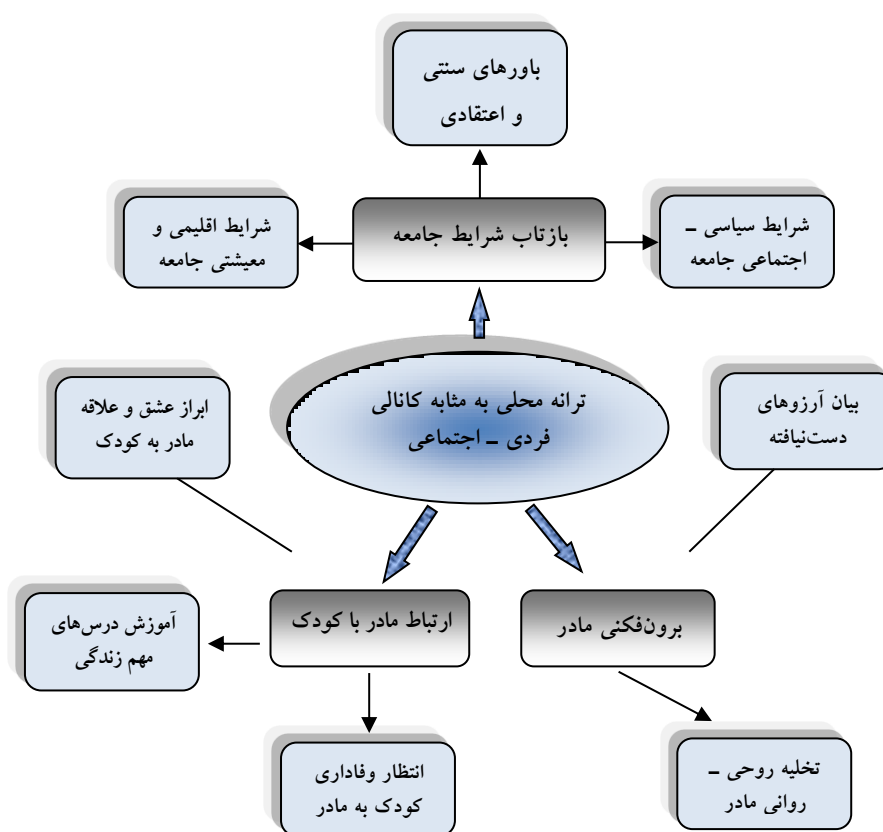
۲. جگر (دل) نسوختن: کنایه از داغدار نشدن است. زنان کرد هنگامی که می‌خواهند برای همدیگر دعای خیر کنند می‌گویند الهی جگرت نسوزد، به این معنی که بچه (بیشتر پسر) ات را از دست ندهی.

### تحلیلی بر لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادران کرد ❖ ۹۳

که با چنین شرایط سختی فرزندش را بزرگ می‌کند و امیدوار است که جگرش نسوزد و بچه‌اش را از دست ندهد یا مشکل خاصی برای او به وجود نیاید.

#### جمع‌بندی

با بررسی تعدادی از لالایی‌ها و ترانه‌های ناز و نوازش‌گرددی مشخص می‌شود، این قسم از ادبیات شفاهی که خود نوعی ترانه است، علاوه بر کارکرد آشکار خوابیدن بچه، کارکردهای پنهان بی‌شماری نیز دارد که در این نوشتار به تعدادی از آنها اشاره شد. شیوه تحلیل از نوع تحلیل محتوای موضوعی بوده است؛ به گونه‌ای که بعد از تحلیل و تفسیر مدارک و اسناد، کدگذاری شدند.



## ۹۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

همان‌طور که در این نمودار دیده می‌شود، طبق موضوع‌بندی محتوایی، طبقه‌بندی موضوعی در داده‌ها صورت گرفته و آنها در سه طبقه اصلی تقسیم‌بندی شده‌اند. به گونه‌ای که برای ترانه‌های محلی سه کارکرد پنهان تشخیص داده شد: لالایی‌ها و ترانه‌های ناز و نوازش از یک سو بازتابی از شرایط جامعه و زمان و مکان سرودن خود هستند و مادر ناخودآگاه در این سروده‌ها از آن سخن می‌راند. نوع معیشت، ویژگی‌های منطقه، نوع حکومت و اداره جامعه، باورها و عقاید مردم، همه در این طبقه حائز اهمیت هستند. لذا در این طبقه، مقولات جزئی با توجه به مفهوم و محتوای ترانه‌ها استخراج شدند که عبارت‌اند از: بازتاب شرایط اقلیمی جامعه، باورهای سنتی و اعتقادی مردم، شکوه از ستم حکومت ظالم و ویژگی‌های نظام فئودالی. در لالایی‌ها می‌توان از شرایط سیاسی، اجتماعی، اقلیمی، معیشتی، اعتقادی و... جامعه متعلق به آن آگاهی پیدا کرد و این از خصایص مهم ادبیات عامیانه است. برای مثال، هنگامی که مادر به مشایخ و پیران پناه می‌برد تا بچه‌اش از بلایا در امان باشد، گوشه‌ای از اعتقادات مردم کرد در گذشته به تصویر کشیده می‌شود. کارکرد پنهان دیگر این ژانر از ادبیات شفاهی به رابطه مادر و کودکش مربوط می‌شود. مادر کرد در عبارات لالایی، اوج علاقه و عشق خود را که از احساسات مادرانه‌اش سرچشمه می‌گیرد، به کودکش ابراز می‌دارد و چنان فداکاری در راه کودکش از خود نشان می‌دهد که جان، مال و تمام ثروت دنیا را فدایش می‌کند. در کنار ابراز عشق و علاقه مادرانه، زن ترانه‌خوان از بی‌وفایی کودکش هنگامی که بزرگ شد، می‌ترسد و شاید از بی‌وفایی پدر بچه‌اش نسبت به خود، آن را به کودکش هم تعمیم می‌دهد. شاید هم از بی‌وفایی فرزند بزرگ‌تر خود یا بی‌وفایی بچه‌های مادران دیگر این استنباط را کرده باشد. علاوه بر جنبه احساسی، مادر در لالایی می‌خواهد درس‌هایی از زندگی به کودکش بدهد تا با آواز خوش مادر این نکات مهم در ذهن و قلب کودک بنشیند و برای همیشه با او باشد. بی‌اعتمادی به ظاهر دیگران، ایستادگی در برابر ظلم و ستم ظالمان، وفاداری به مادر و هوشیار بودن در مسیر پر پیچ و خم زندگی، از مواردی است که در این رابطه و در لالایی‌های مورد بررسی به آنها اشاره شده است. کارکرد پنهان سوم این دست از ادبیات شفاهی کردی برای خود مادر مطرح است؛ به گونه‌ای که او از لالایی به‌مثابه وسیله‌ای برای برون‌فکنی

## تحلیلی بر لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادران کرد ❖ ۹۵

احساسات و نیازهای خود بهره می‌برد. مادر بسیاری از آرزوهای دست نیافته خود را در لالایی برای کودک دلبندش آرزو می‌کند و در ترانه ناز و نوازش برایش می‌سراید. او رنج کشیده و خسته و دل‌آزرده از محدودیت‌ها و فشارهای جامعه فئودالی - قبیله‌ای و اطرافیانش است که همه مانع رسیدن به خواسته‌هایش شده‌اند. شاید مادر کرد با آگاهی از جامعه خود تا حدی تحقق راستین این آرزوها را برای فرزندش نیز محال بداند، اما برای تخلیه روحی - روانی خود آنها را ابراز می‌دارد و در امیدواری به سر می‌برد.

در نتیجه کلی می‌توان گفت، لالایی‌ها و نغمه‌های ناز و نوازش مادرانه، نه صرفاً برای ناز و نوازش یا خوابانیدن بچه به کار رفته و می‌روند، بلکه همچون کانالی پیچیده عمل می‌کنند که از جنبه فردی و اجتماعی دارای کارکردهای پنهان متعددی هستند و بسیاری از خصوصیات جامعه را بازنمایی می‌کنند، به طوری که می‌توانند در مطالعات و بررسی‌های فرهنگی و اجتماعی کاربرد ویژه‌ای داشته باشند. همین نکته اهمیت این دسته از ترانه‌ها و به طور کلی‌تر ادبیات عامیانه را نشان می‌دهد؛ چراکه معنا و مفاهیم عمیقی در پس واژگان ساده و صریح آنها نهفته؛ رازی که منجر به ماندگاری آنها شده است.

## منابع

- احمدپناهی سمنانی، محمد (۱۳۶۸). *ترانه‌های ملی ایران*، چ ۲، تهران: انتشارات زیبا.
- سلیمی، هاشم و ثریا کهریزی (۱۳۸۷). *ژانه ژین: لالایی‌های مادران کرد*، تهران: آنا.
- سپیک، ییری (۱۳۸۴). *ادبیات فولکلور ایران*، ترجمه محمد اخگری. تهران: سروش.
- صادقی، علی (۱۳۸۶). «ترانه‌های عامیانه کودکان». *فرهنگ مردم ایران*، ش ۹، تابستان، صص ۶۷ - ۵۳.

